



آن فیلم معروف
حاج اصغر پاشاپور
که در آن به حاج
قاسم می‌گوید
«جلوتر نرو» مربوط
به قوریه است.
شهید اصغر
پاشاپور در مسیر
رسیدن نیروهای
مقاومت به سوریه
زحمات بسیار
زیادی کشید،
البته او در عملیات
بوکمال نبود اما
در مسیر رسیدن
به بوکمال زحمات
فراوانی متحمل
شد

ایرانی‌ها آزاد می‌شد. حل مسائل از طریق مشورت با روسای قبایل و همین‌طور راه‌اندازی کار و کسب مردم و به عبارتی جاری کردن خون در رگ زندگی اهالی بوکمال، کارهای بسیار مهمی بود که بعد از آزادسازی این شهر توسط نیروهای مقاومت انجام شد. پس از آزادسازی بوکمال، حاج قاسم دستور داد آن مناطقی که بر اثر عملیات خراب شده است رادست کنید. یادم می‌آید حاج عباس که فرمانده توپخانه عملیات در بوکمال بود همراه نیروهایش با ماشین هایلوکس و لوازم کامل نجاری، برقکاری، بنایی و لوله‌کشی به سراغ خانه‌های مردم بوکمال می‌رفت و کار خانه‌های آنها را انجام می‌داد. حاج قاسم خیلی حساس بود که در نبردهای برون مرزی از پول ایران خرج نشود. مردم بوکمال مشکل پول نداشتند و در قبال کاری که برای تعمیرات منازل آنها انجام می‌شد هزینه را حساب می‌کردند. فقط حاج قاسم تاکید داشت که اگر در جریان عملیات به مسجدی آسیب رسیده باشد، آن را با پول خودمان تعمیر کنیم.

در خصوص راه‌اندازی بیمارستان صحرایی سپاه در بوکمال پس از آزادسازی این شهر هم توضیح بدهید.

بچه‌های پاسدار این بیمارستان صحرایی تنها در روز اول شروع به کار خود، ۱۳ مورد عمل زایمان انجام دادند. این اقدامات در ذهن مردم بوکمال باقی ماند و آنها اسم بچه‌های تازه متولد شده را غالباً علی، فاطمه، کوثر، زینب، حسن و حسین می‌گذاشتند. در یک مورد هم به خاطر این که نام دکتر جراح سعید بود، نام فرزند تازه متولد شده در بیمارستان صحرایی سپاه را «دکتر سعید» گذاشتند. ما در آن موقع چاه‌های آب برخی از عشایر و قبایل اطراف بوکمال را راه‌اندازی کردیم و این درحالی بود که ممکن بود آنها فراری‌های داعشی را در گذشته پناه داده باشند. همین عشایر در بوکمال خیلی به کار ما آمدند.

فرار کرده بودند و بعضاً طلا و دلار و ماشین‌های گران‌قیمت در آنها وجود داشت، پلمب و از آنها محافظت شد و به محض بازگشت مردم به شهر، امانات به آنها بازگردانده شد. همچنین برای مردم بوکمال، دوازدوگاه مفصل زده شد تا آنها در صورت صلاحدید به این اردوگاه‌ها بروند. در این اردوگاه‌ها رسیدگی‌های کاملی به مردم صورت می‌گرفت.

باتوجه به تبلیغات مسموم داعش، نگاه مردم بوکمال به رزمندگان محور مقاومت هنگام ورود به این شهر چگونه بود؟

داعش به مردم بوکمال گفته بود اگر نیروهای مقاومت به آنها برسند شکم زنان را پاره و بچه‌ها را زنده به گور می‌کنند. یکی از فرماندهان آزادسازی بوکمال بعد از پایان خلافت داعش در مسجد عمر بن خطاب این شهر برای مردم صحبت کرد و به آنها آرامش داد و گفت «ما با زن‌ها و بچه‌های شما کاری نداریم و قرار نیست خانه‌هایتان را ویران کنیم.» این حرف شاید برای ما عادی باشد اما آیا آمریکایی‌ها هم این‌گونه شهر را آزاد می‌کردند؟ آیا بعد از آزادسازی شهرها در سوریه توسط نیروهای آمریکایی، زنان آن شهرها امنیت داشتند؟ کافی است شما یک مقایسه میان «بوکمال» آزاد شده توسط جبهه مقاومت و «رقه» آزاد شده به دست آمریکا داشته باشید. اگر الان در بوکمال قدم بگذارید باور نمی‌کنید که سه سال پیش در این شهر جنگ رخ داده است. وضعیت جنگ‌زدگی بوکمال از امروز خرم‌شهر خیلی بهتر است. همه اینها به خاطر این بود که نگاه ما به بوکمال نگاه فتح سرزمین نبود بلکه نگاهمان «نجات جان مردم» بود. اخیراً که به بوکمال رفتم، دیدم دائم تلفن فرماندار این شهر که یک جوان بود زنگ می‌خورد و او دائماً مشغول کار و کوشش برای ساختن بوکمال بود. الان در بوکمال دست و پای ایرانی‌ها را می‌بوسند. مردم بسیاری از شهرهای آزاد شده سوریه می‌گویند ای کاش شهر ما به دست